

نقش صوت در حس تعلق به مکان در حیاط مرکزی خانه‌های قدیمی و آپارتمان‌های امروزی تهران

چکیده

مفهوم هویت در دوران سنت با دوران تجدد تفاوت دارد. در قدیم الگوهای سنتی بر جامعه حکمرانی می‌کرد؛ اما در دوره مدرن مفهوم هویت به تبع پیشرفت و توسعه صنعتی دچار دگرگونی می‌شود. مدرنیته باعث تغییر و تحول در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی همچون خانواده شده است که نمود محسوس این تغییرات را در ایران می‌توان در دوره پهلوی مشاهده کرد. در این دوره، جامعه با نادیده گرفتن ارزش‌های فرهنگی دگرگون شد. حضور متخصصان غربی، جابه‌جایی جمعیتی، تغییر در سلیقه زیبایی در مردان، آموزش اصول نوین خانه‌داری به زنان، تعریف طبقه‌بندی اجتماعی، نادیده انگاشتن هویت‌های بومی در رویکرد ملی‌گرایی، گسترش فرهنگ مصرفی به جای تولید و غیره از جمله عوامل فرهنگی است که بر کالبد شهری و معماری بناهای عمومی همچون تفکیک محلات براساس طبقات اجتماعی، پیدایش سبک‌های جدید معماری بنا، ظهور تزئینات و مبلمان جدید در خانه‌های ایرانی و تخریب گسترده معماری سنتی تأثیر گذاشت. این پژوهش با هدف بررسی نقش صوت در حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و آپارتمان‌های امروزی شکل گرفته است که به مقایسه و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. بازگشت به اصول معماری ایرانی و حفظ ماهیت پست‌مدرنیسم معماری در منظر صوتی می‌تواند هنجار حاکم بر حس تعلق به مکان باشد و ارتقا یافتن مؤلفه هویت در منظر خانه‌های مسکونی بر حس هویت‌مندی شهروندان تأثیراتی نظیر حس تعلق به مکان، افزایش ادراک بصری، افزایش قابلیت تمییز و تشخیص فضا را به دنبال خواهد داشت.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی نقش صوت در ایجاد دیالکتیک بین مکان و مخاطب در خانه‌های قدیمی و آپارتمان‌های امروزی.
۲. بررسی ارتباط معنایی نقش صوت در ایجاد حس تعلق به مکان در مخاطب در خانه‌های قدیمی و آپارتمان‌های امروزی.

سوالات پژوهش:

۱. صوت در ایجاد دیالکتیک بین مکان و مخاطب در خانه‌های مسکونی چه تأثیری دارد؟
۲. چگونه می‌توان از حس تعلق به مکان و نقش صوت در حیاط مرکزی به بازتعریف الگوی آپارتمان‌های امروزی دست یافت؟

کلیدواژه‌ها: صوت، هویت، حس تعلق به مکان، خانه‌های قدیمی، آپارتمان امروزی.

مقدمه

دغدغه اصلی رویکرد منظر صوتی نه تنها تمرکز بر صداها و ناخواسته‌ای که باعث ناراحتی انسان می‌شود؛ بلکه بیشتر روی صداها و مطلوبی است که مردم تمایل به شنیدن آن دارند در نتیجه اولویت اصلی آن سطح و میزان صدا نیست (براون، ۲۰۱۰). منظر صوتی اطلاعات اضافی را در دسترس جنبه‌های بصری قرار می‌دهد؛ به طوری که به ارتقای محیط‌های انسان‌ساخت و طراحی کمک می‌کند و یکی از معیارهای قابل توجه حس مکان است (لویس، ۲۰۱۰). بیشترین تمرکز منظر صوتی ساختن تصویر ذهنی از محیط‌زیست از جمله فرهنگ و تجارب شخصی است (گنگ، ۲۰۱۰).

حس تعلق به مکان می‌تواند منجر به حس رضایت از مکان شود. این احساس به مفاهیم دیگری همچون حس مکان و معنای مکان وابسته است که با فرایندهای ارتباطی میان مشارکت اجتماعی افراد و عناصر فیزیکی همچون صوت مرتبط است و فاکتوری مؤثر در رضایت از مکان به‌شمار می‌آید. در برخی منابع ساختار اجتماعی معنای مکانی مورد تأکید قرار می‌گیرد که ارتباط‌دهنده تجارب جمعی با خانواده و دوستان است (چیک و همکاران ۲۰۰۷). تحقیقات در زمینه مفهوم حس مکان در کنار عناصر زندگی مدرن ثابت می‌کند که این فاکتور به‌عنوان مفهومی مرتبط با دلبستگی به مکان می‌تواند منجر به تجربه حضور در مکان شود که شکل‌دهنده حس مکان است.

رویکرد این پژوهش مطالعه موردی و روش مطالعه آن کیفی و تحلیلی است. براین اساس، نگارنده اطلاعات لازم را در مورد تغییر شکل ساختمان‌های مسکونی در طول زمان و تأثیر آن در منظر صوتی جمع‌آوری می‌کند و ویژگی‌های کالبدی منظر صوتی را در خانه‌های سنتی و خانه‌های جدید به‌ویژه آپارتمان مسکونی توضیح می‌دهد. پس از مقایسه تطبیقی بین آن‌ها به تبیین راهکارهای لازم و مفید برای ارتقا منظر صوتی خانه‌های مسکونی ارائه می‌دهد. در این پژوهش با انتخاب تعدادی از خانه‌های مسکونی در مناطق مختلف شهر تهران و جمع‌آوری داده‌های لازم در این زمینه مشخص می‌شود که چگونه منظر صوتی در خانه‌های مسکونی سنتی و جدید به‌عنوان جنبه‌های فیزیکی منظر صوتی به‌شمار می‌آید.

در روش مطالعه موردی کیفی مقوله‌های همچون نشان‌دادن درجه تغییر برای هر پارامتر در مدل نظری، شناسایی ویژگی‌های منظر صوتی در خانه‌های مسکونی حیات مرکزی و تفاوت‌های سبکی خانه بین دوره‌های مختلف بررسی می‌شود. براساس شاخصه دگرگونی مسکن در شهر تهران روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شد که با توجه به پیشنهادات سکاران (۲۰۰۳) و کوهن (۲۰۰۷) این روش مستلزم تقسیم دسته‌ها به گروه‌های همگن است و نمونه‌های آن به‌صورت تصادفی در هر دسته انتخاب می‌شود. در این پژوهش فرآیند گزینش نمونه در هر دسته براساس بازدید میدانی و عکس‌برداری، مصاحبه با ساکنین و کارشناسان و در نظر گرفتن عوامل اجتماعی و اقتصادی است.

در جمع‌آوری داده‌های کیفی که شامل مشاهده مستقیم و مستندسازی ویژگی‌های بصری بود مشاهدات با یک مطالعه عکاسی برای ثبت و مستندسازی بناها صورت گرفت. روند مستندسازی شامل ویژگی‌های بناها بود. در این روش مشاهده و مستندسازی در طرح‌های تحقیقات کیفی مختلف زمینه محکمی را برای تفسیر داده‌ها فراهم می‌کند. هدف این رویکرد نشان‌دادن سطوح مختلف شباهت و تنوع بین بناها و تعیین اهمیت عناصر آن هم به‌صورت مجزا و هم به‌صورت جمعی است که این پژوهش از پیشنهاد بین (۲۰۰۳) برای جمع‌آوری داده‌ها در روش مطالعه موردی پیروی می‌کند. در این پیشنهاد اول از منابعی استفاده می‌شود که به‌عنوان نقطه قوت اولیه تحقیق موردی به‌شمار می‌آید.

دوم یک پایگاه داده جامع برای سازماندهی کارآمد داده‌های مرتبط ساخته می‌شود. این پایگاه جامع شامل یادداشت‌های مطالعه موردی، مواد جدولی و عکس‌های مستند از بازدید است. سوم اطلاعات جمع‌آوری شده در مطالعه موردی قابلیت اجرایی پیدا می‌کند و نتایج پژوهش را می‌توان به اقدامات عملی تبدیل کرد.

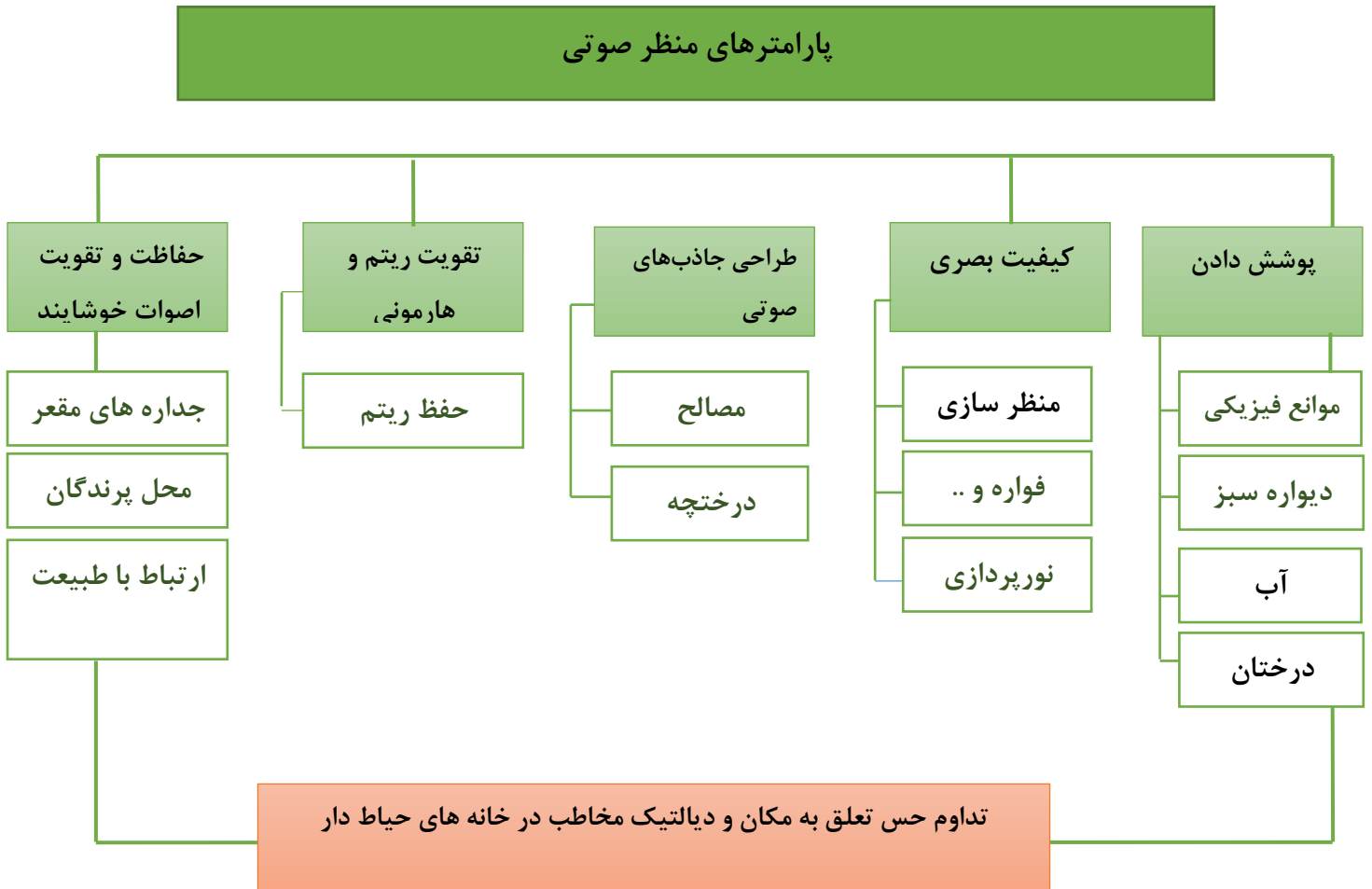
اساساً روش تحلیل در رویکرد مطالعه موردی کیفی یک فرآیند بازرسی بصری برای تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌های بین موارد است. هدف آن درک ویژگی یک ساختمان با تجزیه و تحلیل ساختارهای فیزیکی آن در مقیاس‌های مختلف است؛ بنابراین تجزیه و تحلیل بر چگونگی تغییر شکل فیزیکی یک واحد مسکونی در طول زمان متمرکز می‌شود. اجرای این ایده مستلزم توصیفات صرفاً فیزیکی ساختمان است که براساس پیشنهادات کرسول (۲۰۰۷) و بین (۲۰۰۳) از روش تحلیل کیفی استفاده شد و در آن مراحل هم‌چون سازماندهی داده‌های تصویری بناها، مقایسه داده‌ها در جداول تا عناصر مؤلفه برای کشف هر مورد، توصیف ویژگی فیزیکی هر دسته به وسیله تجزیه و تحلیل و مستندسازی ویژگی بصری، مقایسه بین موارد برای بررسی تفاوت‌های سبکی بین دسته‌ها و در نهایت داده‌ها در شکل‌ها، جداول و بحث‌های توصیفی آن بررسی و تحلیل گردید تا تحلیل موردی مذکور با هدف افشای برخی از اصول کلی برای توضیح ماهیت پدیده‌هایی همچون هویت در معماری استفاده شود. به همین دلیل این پژوهش به‌ظاهر سطحی می‌پردازد و عناصر مؤلفه‌ای را کشف می‌کند که برای تولید منظر صوتی کاربرد دارد.

نتیجه‌گیری

مدل نظری پیشنهادی

چارچوب مفهومی پیشنهادی در شکل شماره ۱ ارائه شده است.

شکل ۱. مدل نظری پیشنهادی



این مطالعه چندین موضوع را با توجه به چارچوب الگوی پیشنهادی در رابطه با تبیین نقش صوت در حس تعلق به مکان و هویت (نمونه موردی خانه‌های قدیمی و آپارتمان‌های امروزی) فرض می‌کند:

(الف) با شناخت اصول مبتنی بر هویت‌مندی و حس تعلق به مکان پیرامون علوم معماری، فلسفه، علوم اجتماعی و روان‌شناسی و حفظ سبک معماری پست‌مدرن و رعایت اصول معماری ایرانی و نظم‌دهی به عناصر بنا می‌توان راهکار و دستورالعمل‌های مناسب برای ایجاد حس تعلق به مکان و منظر صوتی ارائه کرد.

(ب) بازگشت به اصول معماری ایرانی و حفظ ماهیت پست‌مدرنیسمی سبک معماری در منظر صوتی می‌تواند هنجار حاکم بر حس تعلق به مکان باشد.

(ج) ارتقایافتن هویت در منظر خانه‌های مسکونی بر حس هویت‌مندی شهروندان تأثیراتی نظیر حس تعلق به مکان، افزایش ادراک بصری، افزایش قابلیت تمییز و تشخیص فضا را خواهد داشت.

مجموعه‌ای از نتایج که از طریق بحث در مورد یافته‌های کلیدی پاسخ به سؤالات تحقیق و مرتبط بودن موضوع استنباط شده است شواهد کافی برای تأیید فرضیه تحقیق به شرح زیر ارائه می‌کند:

الف) پوشش دادن

نتایج نشان می‌دهد که استفاده از دیواره‌های سبز و صدای آب در انواع آن به‌عنوان صدای خوشایند جهت پوشش اصوات ناخواسته باعث افزایش حس تعلق به مکان در ساکنین می‌شود.

ب) طراحی جاذب‌های صوتی

نتایج تغییرات نشان می‌دهد استفاده از درختچه‌های ریز برگ و متراکم و استفاده از مصالحی مانند بتن متخلخل و غیره سبب کاهش انتشار اصوات مزاحم بیرون در خانه‌های امروزی می‌شود و نوسازی پوشش ساختمان منجر به کاهش اصالت هویت معماری و حس تعلق به مکان می‌شود.

ج) افزایش کیفیت منظر بصری

منظرسازی با آب، وضوح درک معنا را افزایش و سبب حس تعلق به مکان می‌شود. ایجاد کاواک در جداره‌ها و جداره‌های متخلخل و ناصاف سبب افزایش منظر صوتی و حس تعلق به مکان می‌شود.

د) حفاظت و تقویت اصوات خوشایند

درجه تغییر این عامل کم است ارتباط با طبیعت و فضای باز و بسته سبب افزایش حس مکان و افزایش منظر صوتی می‌شود.

س) ایجاد و تقویت ریتم و هارمونی و نشانه‌های صوتی

نتایج نشان می‌دهد که حفظ و ایجاد ریتم‌های شنیداری ارزشمند مانند صدای فعالیت‌های خاص افزایش حس مکان و افزایش منظر صوتی می‌شود.

منابع و مآخذ:

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی؛ راه بی‌زمان ساختن. ترجمه: مهرداد قیومی‌بیدهدی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ایروانی، محمود و دیگران. (۱۳۸۳). روان‌شناسی احساس و ادراک. چاپ هشتم، تهران: نشر سمت.
- باشلار، گاستون. (۱۳۸۵). دیالکتیک برون و درون؛ پدیدارشناسی خیال. ترجمه: امیر مازیار، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- بنتلی، ای‌ین و دیگران. (۱۳۹۸). محیط‌های پاسخده. ترجمه: مصطفی بهزادفر. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران. تهران: انتشارات شهر تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰). عناصر و کیفیت‌های منظر یک فضای شهری، دو فصلنامه آبادی، شماره ۳، ۱.
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان. چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- جنکنز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیراز.
- حبیبی، محسن و هورکاد، برناد. (۱۳۸۴). اطلس کلانشهر تهران. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (شهرداری تهران)، تهران.

حجت، عیسی. (۱۳۸۴). هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز؛ تأملی در رابطه هویت و معماری. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، ۱.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). آشنایی با معماری مسکونی ایران. گونه‌شناسی برون‌گرا. تهران: سروش دانا.
نقی‌زاده، م. (۱۳۸۶). ادراک زیبایی و هویت شهر. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
هایدگر، مارتین. (۱۳۸۹). شعر زبان و اندیشه‌رهایبی. ترجمه عباس منوچهری، چاپ دوم، تهران: مولوی.

Barresi, John Barresi. (۲۰۰۲). "From "the Thought is the Thinker" to "the Voice is the Speaker": William James and the Dialogical Self", In *Theory & Psychology*, Vol. ۱۲, No. ۲, pp. ۲۳۷-۲۵۰.

Canter, D. (۱۹۷۷). *The Psychology of Place*, the architectural press, London

Epstein, S. (۱۹۷۳). "The Self-Concept Revisited", In *American Psychologist*, No. ۲۸, pp. ۴۰۴-۴۱۴.

Giuliani, Maria Vittoria. (۲۰۰۳). "Theory of Attachment and Place Attachment", In: Bonnes, Mirilia (eds), *Psychological Theories for Environmental Issues*, ASHGATE.

Gustafson, Per. (۲۰۰۱). "Meaning of Place: Everyday experience and theoretical conceptualizations", in *Journal of Environmental Psychology*, No. ۲۱, pp. ۵-۱۶.

Haugh, A. (۲۰۰۷). "Identity and Place: a critical comparison of three identity theories", in *Architectural Science Review*, Vol. ۵۰, No. ۱, pp. ۴۴-۵۱.

Kaplan, S. (۱۹۹۵). "The Restorative benefits of nature: toward an integrative framework", In *Journal of Environmental Psychology*, No. ۱۵, pp. ۱۶۹-۱۸۲.

Kaplan, S. (۱۹۹۲). "The Restorative Environment: Nature and Human Experience". In: Relf, Diane. (edt). *The Role of Horticulture in Human Well-Being and Social Development*, Timber Press

Kaplan, S. (۱۹۹۵). "THE RESTORATIVE BENEFITS OF NATURE: TOWARD AN INTEGRATIVE FRAMEWORK", In *Journal of Environmental Psychology*, No. ۱۵, pp. ۱۶۹-۱۸۲

Korpela, K.M. (۱۹۸۹). "Place-identity as a product of environmental self regulation", in *Journal of Environmental Psychology*, No. ۹, pp. ۲۴۱-۲۵۶.

Norberg-Schulz, C. (۱۹۸۰). *Genius Loci: toward a phenomenology of architecture*, Rizzoli, New York.

Polkinghorne, Donald E. (۱۹۹۱). "Narrative and Self Concept", In *Journal of Narrative and Life History*, No. ۲ & ۳, pp. ۱۳۵-۱۵۳

Proshansky, Harold M. (۱۹۷۸). "The City and Self Identity", In *Environment and Behavior*, No. ۱۰, pp. ۱۴۷-۱۶۹

Proshansky, Harold M. (۱۹۸۳). "Place Identity: Physical World Socialization of the Self", In *Journal of Environmental Psychology*, No. ۳, pp. ۵۷-۸۳.

Rapoport, A. (۱۹۸۲). *The Meaning of the Built Environment, A Nonverbal Communication Approach*, SAGE.

Sarbin, Theodor R. (۱۹۸۳). "Place Identity as a Component of Self: An Addendum", In *Journal of Environmental Psychology*, No. ۳, pp. ۳۳۷-۳۴۲.

Twigger-Ross, Clare L. & Uzzel, David L. (۱۹۹۶). "Place and Identity Processes", In *Journal of Environmental Psychology*, No. ۱۶, pp. ۲۰۵-۲۲۰.

Twigger-Ross, Clare, Bonaiuto, Marino, Breakwell, Glynis. (۲۰۰۳). "Identity Theories and Environmental Psychology", In: Bonnes, Mirilia (eds). *Psychological Theories for Environmental Issues*, ASHGATE.